

# روایتی از مراسم به آب انداختن لنج در روستای سرریگ (جزیره قشم)

عبدالجلیل مرداسنگی<sup>۱</sup>

نیز به فراموشی سپرده شده‌اند. در این نوشتار سعی بر این است تا روایتی داشته باشیم از این آیین از یادرفته، در یکی از روستاهای جزیره قشم، تا بر این مراسم فراموش شده، پرتویی هرچند اندک، افکنده شود.

## لنج‌سازی در قشم

قدیمیترین صنعت سواحل و جزایر «لنج‌سازی» است و شاید بتوان گفت عمری به درازای حضور بشر در این سواحل دارد. برای ساحل‌نشینان کرانه‌های این دریا همواره منبع نعمت و برکت و راه تجارت و کسب ثروت بوده است، از این‌رو زندگی مردم جزایر و ساحل‌نشینان از دریا جدا نبوده است. پایه و اساس زندگی و همچنین اقتصاد مردمان ساکن در کرانه‌های ساحلی و جزایر جنوبی دریای پارس، وابسته به دریاست. در روزگاران خیلی دور، دریانوردی و صید بر روی لنجهایی صورت می‌گرفت که این مردم از تنه چوب و برگ نخل درست می‌کردند. وابستگی به دریا، موقعیت مناسب کرانه‌های ساحلی، دسترسی به دریای آزاد، دریانوردی و تجارت دریایی از عوامل اصلی رونق لنج‌سازی در این منطقه بوده است (پاکدامن، ۱۳۶۴: ۱۳۸).

وسیله اصلی در تمام فعالیت‌های صیادی، دریانوردی و حمل و نقل کالا و مسافر، شناورهایی بود که از قدیم همواره بدست

خلیج فارس از دیرباز علاوه بر یک شاهره اقتصادی و مسیری برای حمل و نقل انسان و کالا، شاهره اطلاعاتی نیز بوده است. انسانهایی که در این شاهره آبی در داد و ستد و رفت و آمد بوده‌اند، همراه با جابجایی کالاها، به بده و بستانهای فرهنگ و اندیشه نیز پرداخته و با آداب و رسوم، عقاید و اندیشه‌های گوناگون از این کرانه به کرانه دیگر در حال تبادل بوده‌اند.

از این‌گونه مبادلات می‌توان به ایده‌های مرتبط با ادیان و مذاهب متنوع، قصه‌ها و داستانهایی از عجایب و غرایب دریاها و سواحل و جزایر آن، که توسط دریانوردان روایت می‌شده است و آداب و رسوم و آیینهایی که به مناسبت‌های گوناگون در هر گوشه دریای پارس برگزار می‌شده است، اشاره کرد، مانند مراسم نوروز دریا که می‌توان رواج آنرا تا سواحل هندوستان پی گرفت و یا مراسم زار که ریشه در آفریقا دارد.

از جمله آیینهایی که همراه با پیشرفت دانش و توسعه جوامع، در حال فراموشیست، مراسم به آب انداختن شناورهای چوبی در جزایر و سواحل هرمزگان است. آیینی که تا یک نسل قبل با آداب و رسوم خاص برگزار می‌شد، اما اینک به خاطرها سپرده شده است؛ چنانکه بسیاری از یامالهای آن از یاد رفته است مگر در زمزمه‌های ناخدایان پیروی که خودشان

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان، دانشگاه شهید بهشتی

تخته‌ها می‌گذاشتند، تا از نفوذ آب به درون لنج جلوگیری نمایند و بدنه لنج را نیز روغن‌مالی می‌نمودند. اینک وقت آن بود تا مقدمات به‌آب انداختن لنج فراهم شود.

### مقدمات کار به‌آب انداختن لنج

پس از اینکه ساخت لنج به پایان می‌رسید و گلافان فراغت می‌یافتند، لحظه به‌آب انداختن لنج فرا می‌رسید که با آداب و رسوم خاصی همراه بود. اگر شناور، لنج بزرگی بود، شایعات و حدس و گمانها پیرامون به‌آب اندازی آن بیشتر بود که چه روزی و چه زمانی و چگونه قرار است به‌آب انداخته شود. این مسئله به نقل داغ مجالس تبدیل می‌شد و هر کس سعی می‌کرد، آن روز خاص را پیش‌بینی کند. صاحب لنج که معمولاً ناخدای لنج نیز بود پس از مشورت با ریش‌سفیدان و با توجه به سعد و نحس ایام و در نظر گرفتن اوقات جزر و مد دریا، روز خاصی را برای به‌آب انداختن لنج تعیین می‌کرد، که معمولاً روزهای شنبه یا دوشنبه برای اینکار در نظر گرفته می‌شد. پس از تعیین یک روز معین برای این کار همگی مردم آبادی، از مرد و زن و پیر و جوان سعی می‌کردند در آن روز معین در روستا حضور داشته باشند تا در این مراسم جذاب شرکت نمایند.

بنا به اعتقاداتی که داشتند برای جلوگیری از چشم‌زخم، تکه‌ای از سنگ نمکی که معمولاً خودشان آن را از کوه نمکدان<sup>۱۲</sup> تهیه می‌کردند، از میل جلو لنج می‌آویختند. برای خوش‌یمنی، برکت و سعادت نیز با «گلک»<sup>۱۳</sup> سرخ آیینی، بر گوشه‌هایی از لنج، چلیپایی نقش‌می‌بست؛ نماد باستانی خیر و برکت که در گوشه‌گوشه نقشهای جزیره جای دارد. بر فراز لنج هم پرچم ایران و «بندیره‌ای»<sup>۱۴</sup> سبز نیز به اهتزاز درمی‌آمد. در نهایت، نوبت به «دوور»<sup>۱۵</sup> می‌رسید که بیشتر بار به‌آب سپاری لنج، بر دوش آن بود.

۱۲. کوه و معدن نمک جزیره قشم

۱۳. خاکی سرخ رنگ که از معادن خاک سرخ جزایر قشم و هرمز بدست می‌آید.

۱۴. "Bandire" پرچم

۱۵. "Dowvar" بر وزن کوثر. دوار و داور هم گفته می‌شود.

بومیان این نواحی ساخته و پرداخته می‌شدند. این لنجها انواع و اقسام مختلفی داشت و بنامهای متفاوتی، همچون: «بغله»<sup>۲</sup>، «بوم»<sup>۳</sup>، «سمبوک»<sup>۴</sup>، «جالبوت»<sup>۵</sup>، «تشاله»<sup>۶</sup>، «بوزی»<sup>۷</sup>، «ترتری»<sup>۸</sup>، «سماچ»<sup>۹</sup> و ... نامیده می‌شدند، که هر کدام، برای کار خاصی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

ماده اصلی در ساخت لنج، چوب است و مهمترین آنها، چوب ساج که بومی مناطق هند، برمه و اندونزیست و بیشتر از هندوستان تأمین می‌شود. چوب ساج به چوب سخت هند شرقی معروف است و از آن برای قاببندی و روکش بدنه لنج استفاده می‌شود. این چوب بدلیل روغنی بودن، در مقابل پوسیدگی ناشی از رطوبت و موریانه مقاوم است. دیگر چوبهای مورد استفاده در ساخت لنج، شامل چوبهای درختان بومی مثل کهور؛ کنار؛ کرت و درختان غیر بومی همچون چنار؛ توت و گردو است.

غیر از تخته و چوب، از میخ و پیچ و مهره فلزی نیز در ساخت لنج استفاده می‌شود که در گذشته توسط حدادان زحمتکش روستای «گوران»، که از مکانهای قدیمی ساخت لنج در جزیره قشم است، تهیه می‌شد. در تمام مراحل ساخت، حتی برای کوبیدن میخ نیز باید استادی و مهارت کافی داشت. اگر ضربه و نیروی وارد بر میخ همسان و متعادل نباشد، علاوه بر شکافهای پنهانی که در تخته بوجود می‌آید، موجب نفوذ آب و در نهایت پوسیدگی زودرس بدنه لنج خواهد شد. «گلافان»<sup>۱۰</sup> پس از اتمام کار، فتیله‌های پنبه‌ای آغشته به روغن کنجد موسوم به «کلفات»<sup>۱۱</sup> را درون درزهای مابین

۲. "Baghale" از لنجهای بزرگ خلیج فارس که در گذشته با آن به سفرهای هند و آفریقا می‌رفتند.

۳. "Boom" بزرگترین و زیباترین نوع لنج

4. "Sambook"

5. "Jalboot"

۶. "Teshale" نوعی لنج کوچک که از آن بعنوان یدک‌کش استفاده می‌شد.

۷. "Boozi" بوجی و بوسی هم گفته می‌شود.

۸. "Tartary" لنج کوچک ماهیگیری

۹. "Sammach" لنج ماهیگیری

۱۰. "Gallaf" سازنده و تعمیرکار لنج

11. "Kalfat"

## دوور

می‌شوند. متنوعترین یامالها مربوط به دریا و لنج هستند: یامالهای «میداف»<sup>۱۸</sup> یا پاروئی در قدیم؛ یامالهای بالاکشیدن ... بادبانها؛ یامالهای تورانداختن؛ یامالهای بالاکشیدن تور و ... (درویشی، ۱۳۹۳: ۵۸).

به آب انداختن لنج و چرخاندن دوور نیز یامال مخصوص بخود را داشت. محور اشعاری که در این یامال، خوانده می‌شد، براساس دوور بود و بیشتر طلب یاری از خداوند برای چرخاندن و به حرکت درآوردن دوور بود؛ با خواندن یامال، افراد بیشتری برای مشارکت در این کار تهییج می‌شدند. در اجرای یامالها معمولاً یک تکخوان سربندها را می‌خواند و جوابگوها (ملوانان و جاشوها) جواب تکخوان را می‌دادند. تداوم و تکرار این روند، ویژگی خلسه‌آمیزی به این مراسم می‌داد (درویشی، ۱۳۹۳: ۵۸).



دوور مخصوص بالا کشیدن تور و بادبان  
طراح: ملاح نسب



دوور مخصوص به آب انداختن لنج  
طراح ملاح نسب

۱۸. "Midaf" پارو

دوور وسیله‌ای چوبی است. یک ماشین مکانیکی مانند چرخ چوبی؛ چرخ چاه؛ سکان و... که کار را برای انسان آسان می‌نمود. اجزای دوور شامل یک چهارپایه بزرگ چوبی بود با پایه‌هایی محکم و قطور که معمولاً آنها را در زمین محکم می‌کردند. درون این چهارپایه قرقه‌ای بزرگ و فلزی بصورت عمودی قرار می‌گرفت. از میان این قرقه و متصل به آن تیری چوبی، محکم و قطور، بیرون می‌آمد که در حدود نیم متر بالاتر از سطح میز قرار می‌گرفت. در بالای این تیر عمودی سوراخهایی وجود داشت که درون این سوراخها، تیرهایی چوبی بصورت افقی قرار می‌گرفت. چرخاندن این تیرهای افقی باعث چرخش قرقه فلزی دوور می‌شد. هریک از این تیرهای چوبی را معمولاً دو تا سه نفر می‌چرخاندند و در نهایت، ده تا دوازده نفر چرخاندن یک دوور را به عهده می‌گرفتند. دوور معمولاً با مقداری فاصله با لنج در خشکی قرار می‌گرفت. در نقطه‌ای درون دریا که قرار بود لنج تا آنجا کشیده شود، میله یا لنگرهایی در دریا فرو می‌کردند و به آنها «گوفیه‌ای»<sup>۱۶</sup> بسته می‌شد. از درون این گوفیه طنابی خارج می‌شد که یک سر آن به دور لنج بسته می‌شد و سر دیگر آن به دور قرقه‌ی دوور محکم می‌شد. همراه با چرخاندن تیرهای چوبی دوور، قرقه دوور می‌چرخید، طنابها کشیده می‌شدند و لنج آرام آرام به حرکت درمی‌آمد و به سمت دریا کشیده می‌شد. با توجه به بزرگی و سنگینی لنج از یک، دو و یا سه دوور برای این کار استفاده می‌شد. انواع کوچکتری از دوور نیز درون کشتی برای بالاکشیدن لنگر؛ تور؛ بادبان و «کولگیر»<sup>۱۷</sup> (قفسهای مخصوص صید ماهی) نیز بکار گرفته می‌شد. به حرکت درآوردن دوور همیشه با یامالهای مخصوص به آن همراه بود.

## یامال

یامالها آوازهای کار دریا و خشکی هستند. بیشتر آنها آواز کارهای دریایی‌اند، اما یامالهایی هم هستند که برای کار در خشکی؛ در نخلستانها؛ حمل بار با لنج یا خالی کردن بار از لنج؛ کارهای ساختمانی؛ تنورسازی و غیره سروده

۱۶. "Goofie" گیره قرقه چوبی با چهار شکاف که در هر شکاف آن یک قرقه وجود دارد.

۱۷. "Koulgir" گرگور هم می‌گویند.

صرف صبحانه آیاتی از قرآن کریم توسط شیخ یا ملای آبادی تلاوت می‌شد تا با یاد و نام خدای رحمان و رحیم و استعانت از او کار را آغاز کنند.

بعد از آن با توجه به بزرگی لنج و توان مالی صاحبش بز، گاو یا شتری قربانی می‌شد که خونش بر «بیس»<sup>۱۹</sup> لنج مالیده می‌شد و از گوشتش غذایی پخته و در ظهر همان روز توسط حضار صرف می‌شد.

به دور لنج تسمه‌ای می‌بستند و این تسمه به طنابی محکم و کلفت وصل می‌شد. طناب را تا فاصله‌ای مناسب درون دریا می‌بردند و در آنجا از درون «گوفیه‌ای» که در آنجا قرار داشت، رد می‌کردند؛ این گوفیه بوسیله یک تیر چوبی یا لنگرهای بزرگ، درون دریا مهار شده بود. طناب پس از عبور از میان قرقره‌های گوفیه دوباره به ساحل برمی‌گشت و در اینجا به دور قرقره دوور محکم می‌شد.

دوور با مقداری فاصله از لنج درون خشکی قرار می‌گرفت. در جلو لنج برای تسهیل کار و حرکت راحت‌تر و روان‌تر لنج، چوبهای استوانه‌ای مدوری با مقداری فاصله از یکدیگر، پشت سرهم قرار می‌گرفت که به آنها ترم<sup>۲۰</sup> گفته می‌شد و بر روی آنها سیفه<sup>۲۱</sup> مالیده می‌شد. در زیر شکم لنج نیز برای جلوگیری از صدمات ناشی از سقوط احتمالی لنج به طرفین، سوند<sup>۲۲</sup> پوسیده کار گذاشته می‌شد که بدلیل نرمی آن در صورت سقوط لنج به طرفین، هیچ لطمه‌ای به لنج وارد نمی‌شد. چرخاندن دوور را افراد داوطلب به‌عهده می‌گرفتند. ترکیبی از جوانان و افراد باتجربه، نوعی همکاری و همیاری بود و کسی برای این کار مزد طلب‌نمی‌کرد. چرخاندن دوور همراه با یامالهای مخصوص به آن بود و این تکسرایبها و همخوانیها شور و وجد خاصی به مراسم می‌بخشید. با مقداری فاصله از اینها مردم با شور و اشتیاق به تماشا می‌ایستادند. برای احتیاط بیشتر بچه‌ها معمولاً از

اکثر آوازهای یامال دوور از یادها رفته‌است و از محدود اشعاری که به‌یاد مانده، این چنین است:

هَلِه یامَلِه هَلِه یامَلِه هَلِه یا دَوور شامی

هَلِه یامَلِه هَلِه یامَلِه هَلِه یا دَوور شامی

دَووریا دَوور شامی دَووریا دَوور شامی

وَرشو وَرشو خلیلو سوریا کلیو وَرشو خلیلو سوریا

این اشعار گاهی به زبان عربی خوانده می‌شد و گاهی هم به زبان فارسی و محلی. بعضی اوقات نیز متناسب با اتفاقاتی که روی می‌داد، اشعاری فی‌البداهه سروده می‌شد. مانند این آواز که انگار در جواب به شکایت افراد از گرمای زمین سروده شده‌است. با توجه به اینکه چرخاندن دوور با پای برهنه انجام می‌گرفت و گرمای ظهر جنوب طاقت‌فرسا بود:

زمین گرمین و پا مه ناسوزت هَلِه یا دَوور شامی

یاواش یاواش پا مه ناسوزت هَلِه یا دَوور شامی

با توجه به نیرویی که برای به حرکت درآوردن لنج و کشاندن آن بسوی دریا لازم بود، ریتم آن تند یا آهسته می‌شد و افراد نیز با توجه به هر ریتم، نیروی کمتر یا بیشتری مصرف می‌کردند. خواندن یامال دو کاربرد ویژه داشت: اول باعث ایجاد هماهنگی و توازن در صرف همزمان نیرو بین کارکنان و جاشوان می‌شد و دوم باعث ایجاد شور و نشاط و خلسه میان آنها می‌شد تا خستگی مفرط ناشی از کارهای طاقت‌فرسا را درک نکنند. همراه با چرخش دوور و نوای یامال، لنج به آرامی به‌دریا سپرده می‌شد.

### به‌دریا سپردن لنج

بعد از اینکه روز مشخصی را برای به‌آب انداختن لنج در نظر می‌گرفتند، از صبح زود برای کسانی که قرار بود این کار را انجام دهند، صبحانه‌ای تدارک دیده می‌شد. پس از

۱۹. "Bis" چوب بلند و قطوری که در حکم شاسی لنج است.

۲۰. "Tarm"

۲۱. "Sife" چربی کوسه ماهی

۲۲. "Sevend" حصیرهای بافته‌شده از چوبهای نخل



### منابع

- پاکدامن، رحمت‌الله؛ قشم جزیره‌ای آشنا؛ بندرعباس: سازمان برنامه و بودجه استان هرمزگان، چاپ اول، ۱۳۶۴.
- درویشی، محمدرضا؛ موسیقی و آیینهای جزیره قشم و جزایر تابعه، تهران: سازمان منطقه آزاد قشم، چاپ اول، ۱۳۹۳.

فاصله‌ای دورتر همراه با بزرگترهایشان این مراسم را نگاه می‌کردند. زنها نیز از فاصله‌ای دورتر یا از پس دریچه خانه‌ها به نظاره این منظره می‌نشستند. همراه با چرخیدن دوور و همراه با شور و هیجان تماشاچیان لنج نیز به حرکت در می‌آمد و بغله خرامان خرامان رهسپار آغوش مام دریا می‌شد.

